نام مقاله: برنامه جديد كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع رساني

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 30 \_ شماره دوم، جلد 8

پديدآور: رحمت الله فتاحي

چكيده   
  
مقالة حاضر گزارش كوتاهي است از يك طرح پژوهشي كه به سفارش وزارت علوم، تحقيقات و فناوري توسط گروه كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد در سال هاي 1383ـ1382 انجام گرفت. هدف طرح، بررسي برنامة جاري و بازنگري در آن به منظور همخوان‌كردن محتواي برنامه و سرفصل درس ها با نيازها و شرايط متحول كنوني بود. در اين راستا، برنامه هاي جاري در كشورهاي آمريكا، انگلستان، استراليا، هند و ايران مورد مطالعه و مقايسه قرار گرفتند و بر اساس نقاط مشترك و نيز نيازهاي ايران در بخش آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني، برنامة جديدي در دو گرايش مديريت اطلاعات و مديريت فناوري اطلاعات تدوين شد. اين برنامه در دو مرحله براي برخي صاحب‌نظران و تعدادي از اعضاي هيئت علمي گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني ايران كه مجري دورة كارشناسي ارشد بودند ارسال و از آنان خواسته شد تا ديدگاه هاي خود را دربارة گرايش ها، محتوا و سرفصل درس هاي پيشنهادي ارائه كنند. سرانجام، برنامة نهايي تدوين و توسط كميتة بازنگري برنامه هاي آموزشي دانشگاه فردوسي با اصلاحات جزئي مورد تأييد قرار گرفت. گزارش طرح براي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري نيز ارسال شد تا پس از تصويب، به دانشگاه‌ها ابلاغ شود.   
  
كليدواژه ها: برنامه درسي كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، برنامه درسي گرايش مديريت اطلاعات، برنامه درسي گرايش مديريت فناوري اطلاعات   
  
ضرورت بازنگري در برنامة كارشناسي‌ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني   
  
كتابداري و اطلاع‌رساني حرفه اي است كه با مديريت اطلاعات و دانش سر وكار دارد و هدف اساسي آن ايجاد شرايط مناسب براي دسترسي آسان و مؤثر به اطلاعات است. براي چنين منظوري، بر اساس اصول و بنيان هاي نظري كه در طول تاريخ حيات اين حرفه تدوين شده است فرايندهايي براي گزينش و فراهم آوري، سازماندهي, و اشاعة اطلاعات انجام مي‌گيرد. براي آموزش جنبه هاي نظري و كاربردي اين فرايندها به كساني كه در كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني خدمت مي كنند، دوره هاي آموزش رسمي و غير آن، بويژه در سطح آموزش عالي در رشتة كتابداري برقرار گرديده است.   
  
يكي از رويكردهاي حرفه اي مورد توجه در اين رشته، پاسخ به نيازهاي جامعه و نيز تحولات آن از طريق بازنگري در برنامه هاي آموزشي (گرايش ها، محتوا، و سرفصل   
درس ها) مي‌باشد. مروري بر كتاب ها و مقالات خارجي اين حوزه نشان مي دهد كه بازنگري در برنامه هاي آموزشي در كشورهاي پيشرفته امري بسيار معمول تلقي مي‌شود و در دو دهة گذشته به دليل تغييرات شديد در فناوري هاي مرتبط با پردازش اطلاعات، مرتباً در جريان بوده است. تقريباً همة دانشكده هاي كتابداري و اطلاع‌رساني همواره دست‌اندركار اين امر بوده و حتي نام درس ها و رشته را در جهت همخوان سازي آن‌ها با نيازهاي روز متحول ساخته‌اند. متأسفانه چنين روندي در ايران بسيار دير و كند مورد توجه قرار گرفته است.   
  
در ايران در طول چهار دهه آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در سطح عالي، اين رشته به لحاظ كمّي و كيفي شاهد تحولات زياد و نيز مسائل و مشكلات گوناگوني بوده است. گوشه هايي از اين تحولات كه در دهة اخير در متون فارسي كتابداري و   
اطلاع‌رساني رخ نموده مبين اين نكته است كه جامعة كتابداري و اطلاع‌رساني كشور خواهان بازنگري، بخشي متأثر از تغييرات در محتواي برنامة آموزشي گروه هاي كتابداري در خارج از ايران، (بويژه ايالات متحده)، و بخشي متأثر از رواج روز افزون استفاده از   
فناوري هاي اطلاعاتي در ايران است. يادآور مي‌شود كه آموزش كتابداري جديد در دانشگاه‌هاي ايران ريشه در برنامه ها و متون آموزشي دارد كه مدرسان آمريكايي در پنج سال آخر دهه 1340 براي دانشگاه تهران تدوين كردند. پيشكسوتان كتابداري ايران نيز كه دانش تخصصي تاريخي آن‌ها همان دانش تاريخي آموزش كتابداري در آمريكا است، براي روزآمدسازي دانش خود به دانش مقطعي كتابداري در آمريكا متكي هستند. اتكاي اين هر دو گروه دانش به آمريكا را نبايد نامطلوب تلقي كرد، چرا كه كشورهاي متفاوت در رشته‌هاي گوناگون علمي‌توانايي هاي متفاوتي دارند و به نوعي تخصص خاص دست يافته‌اند . مثلاً كشور فرانسه در حقوق و كشور آلمان در فلسفه و كشور آمريكا نيز در رشتة كتابداري شاخص‌تر از كشورهاي ديگر هستند. به همين لحاظ، تحولات در آموزش كتابداري آن كشور، خواسته يا ناخواسته برنامه و محتواي درسي كتابداري ايران را به تحول وا مي دارد.   
  
گفته شد دومين عامل اثرگذار در تمايل به بازنگري در درس ها رواج روزافزون فناوري اطلاعات در فعاليت‌‌‌هاي اصلي كتابخانه ها است. بهره گيري از فناوري، پيامدهاي بسياري در شيوه و نحوة ادارة كتابخانه ها پيش روي كتابداران قرار داده است. به عنوان مثال، از نياز به فهرستنويسي بنيادي كاسته شده، نياز به مجموعه سازي جامع كمتر شده، توجه به ارائة خدمات به مراجعان در رابطه با منابع الكترونيكي و شبكه اي افزايش يافته، و...   
  
  
  
مروري كوتاه بر پيشينة پژوهش   
  
مروري بر ادبيات تخصصي بسياري از رشته‌هاي دانشگاهي از جمله كتابداري و   
اطلاع‌رساني در دو دهة اخير بيانگر آن است كه حجم زيادي از مقاله ها، گزارش هاي پژوهشي و پايان‌نامه هاي دانشگاهي به ضرورت بازنگري در آموزش دانشگاهي   
پرداخته اند. بحث تغيير و ضرورت بازنگري در برنامه هاي آموزشي از سوي بسياري از انديشمندان، بويژه مدرسان دانشكده هاي كتابداري و اطلاع‌رساني در دو دهه اخير مطرح شده است (مثلاً:Radford, 1978; Wilson, 1989; Ferguson, 1997). در ايران نيز مسائل و مشكلات آموزش كتابداري از همان ابتداي تأسيس اين رشتة دانشگاهي تا عصر حاضر، مورد توجه صاحب‌نظران ايراني قرار گرفت. مقاله «محمدحسين گنجيان» در سال 1353 و مقالة دكتر «هوشنگ ابرامي» در سال 1354 با عنوان «نقطه آغاز: گره كور آموزش دانش شناسي» و همچنين مقاله «محمدحسين دياني» (1379) دربارة ضرورت ايجاد تحول در برنامة آموزشي دورة كارشناسي، و سرانجام مقاله «كياني» (1382) در دايرة‌المعارف كتابداري و اطلاع‌رساني در باب وضعيت كلي آموزش كتابداري در ايران مي‌تواند بيانگر توجه و حساسيت انديشمندان اين حوزه باشد.   
  
اكنون بيش از سه دهه از آن زمان گذشته است. در شرايط كنوني و از ديدگاهي نظري، اعتقاد برخي از مدرسان كتابداري بر آن است كه با توجه به تحولات سريع و عميق در فناوري هاي اطلاعاتي و به تبع آن در محيط اطلاعاتي، لازم است چارچوب و محتواي برنامه هاي دانشگاهي آموزش كتابداري مورد بازنگري و روزآمدسازي قرار گيرد. در اين زمينه «فتاحي» (1379) چارچوب لازم براي توسعة آموزش كتابداري را در پرورش دانش نظري، ايجاد فكر خلاق، و افزايش توان پژوهش ارائه داده و اعتقاد دارد در   
برنامه ريزي هاي آموزشي، در طراحي محتواي درس ها و در رويكرد تدريس، بايد به اين مقولات پرداخته شود.   
  
مطالعات تطبيقي در نظام هاي آموزش كتابداري در كشورهاي مختلف، يكي ديگر از رويكردهاي پژوهشي است. «مرتضائي» (1380) تحصيلات تكميلي كتابداري و اطلاع‌رساني در چند كشور (انگلستان، آمريكا، هند و ايران) را از ديدگاهي تطبيقي مورد بررسي قرار داده است. در اين بررسي، او به عوامل و عناصري چون مهارت هاي مورد انتظار از دانش آموختگان، استفاده از فناوري اطلاعاتي در برنامه هاي آموزشي، نياز بازار كار، و نهايتاً ويژگي هاي برنامة آموزشي پرداخته است و كار او مي‌تواند براي طراحي برنامة جديد مورد استفاده قرار گيرد. وي در پژوهشي ديگر (1383) كه بر اساس اين پژوهش انجام داد يك برنامة آموزشي مناسب دورة كارشناسي ارشد را با عنوان «برنامة كارشناسي‌ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني (گرايش اطلاع‌رساني)» ارائه داد كه ساختار و محتواي آن با توجه به شرايط روز و نيازهاي كشور تعيين شده است.   
  
«جعفر مهرداد» (1383) نيز نتايج يك طرح پژوهشي را كه در دانشگاه شيراز انجام داده است با عنوان «برنامة درسي مديريت اطلاعات و سيستم هاي اطلاعاتي و ارتباطاتي» ارائه كرده است كه محتواي آن براي برنامه ريزي مشابه, از جمله طرح حاضر بسيار مناسب است. در اين طرح، وي برنامة درسي براي گرايش فوق را با مشخص ساختن واحدهاي اختصاصي اجباري و اختياري، تدوين كرده است.   
  
با مروري بر ادبيات موجود در اين حوزه مي‌توان نتيجه گرفت كه يكي از   
مهم‌ترين مشكلات گروه‌هاي آموزش كتابداري، تأخير در انجام تغييرات در پاسخ به نيازهاي در حال تحول جامعه بوده است. برنامه هاي آموزشي اين گروه ها از يك رويكرد سنتي برخوردار بوده و اعضاي هيئت علمي كمتر تلاش كرده اند تا درس هاي خود را با نگاه به آينده مورد بازنگري ساختاري و محتوايي قرار دهند. در عين حال بسياري از اين   
گروه ها، بويژه در كشورهاي پيشرفته ناچار شدند براي حفظ حيات خود و هماهنگي با زمان، تغييراتي را پذيرا شوند (مرتضائي، 1380: 58). برخي از دانشكده هايي كه بموقع به اين كار اقدام نكردند، به دليل عدم استقبال دانشجويان و نيز كم‌اقبالي دانش‌آموختگان آن‌ها براي يافتن كار، رو به تعطيلي نهادند. به بيان ديگر، برخي از دانشكده هاي كتابداري به دليل عدم بازنگري در برنامه هاي درسي يا تعطيل شدند يا در دانشكده هاي ديگر ادغام گشتند (Ostler, Dahlin, and Willardson, 1995). درعين حال، برخي از دانشكده‌ها موفق شدند بموقع در برنامه هاي خود بازنگري كنند و درس هاي مورد نياز جامعه را به برنامة آموزشي خود بيفزايند. از اين رو مشاهدة درس هايي چون «نظام هاي اطلاعاتي توزيع‌شده»1، «طراحي سايت هاي وب»2، و «مديريت شبكه »3 در برنامة برخي دانشكده هاي كتابداري دور از انتظار نيست.   
  
بيشتر صاحب‌نظران حوزة كتابداري اعتقاد دارند كه در حال حاضر پاسخگويي به انتظارات حرفه اي و نيز انتظارات جامعة دانشگاهي كه براي فعاليت‌‌‌هاي آموزشي و پژوهشي خود شديداً به اطلاعات نياز دارند، مهم‌ترين اصلي است كه بايد به آن توجه كرد. اين است كه به دليل نياز به برخي از مهارت هاي جديد و خاص، بعضي از درس ها در دانشكدة علوم رايانه يا مديريت گنجانيده شده‌اند (مرتضائي، 1380: 59).   
  
مرور درس هاي ارائه‌شده در گروه‌هاي آموزش كتابداري در سطح كارشناسي‌ارشد در ايران، چند نكته را مشخص مي‌سازد. مهم‌ترين ويژگي تحولات درس‌هاي دورةكارشناسي‌ارشد اين بوده كه گرچه تعداد قابل توجهي درس در برنامة كارشناسي‌ارشد گنجانيده شده، امّا تعدادي از اين درس ها يا براي مدت كوتاهي در يكي دو گروه آموزشي تدريس شده‌اند، يا هيچگاه در هيچ گروه آموزشي تدريس نشده‌اند. به عنوان مثال، درس «نسخه شناسي» (از درس هاي قبل از انقلاب اسلامي) تنها براي چند دوره كه «ايرج افشار» مسئوليت تدريس آن را برعهده داشت، آن هم تنها در دانشگاه تهران، تدريس شد. درس «مديريت آرشيو» (از درس هاي بعد از انقلاب اسلامي) تنها در   
دوره هايي در دانشگاه تهران و دانشگاه فردوسي مشهد تدريس شده است. درس هايي بوده و هستند كه هيچگاه تدريس نشده‌اند؛ درس هاي مندرج در گرايش كتابخانه هاي دانشگاهي و گرايش كتابخانه هاي عمومي كه در برنامة بعد از انقلاب اسلامي گنجانيده   
شده‌اند مهم‌ترين اين درس ها هستند.   
  
افزون بر اين، تعدادي از درس هاي اختياري در گرايش اطلاع‌رساني گنجانيده   
شده‌اند، كه تا به حال تدريس نشده‌اند: 1) سازمان و ادارة مراكز مدارك و كتابخانه هاي تخصصي، 2) نظريه و روش هاي خدمات مرجع، و 3) مراكز اطلاع‌رساني ملي و بين‌المللي، سه درس از اين گونه درس ها هستند. چهار عامل مي‌توانسته در ايجاد چنين وضعي مؤثر باشد. اين چهار عامل عبارت‌اند از: الف) نبود نشانه هاي ملموس از ضرورت تدريس و امكان استفاده از درس در خارج از كلاس درس، ب) نبود محتوا و كتاب درسي مناسب، ج) نبود مدرس آماده يا مشتاق براي تدريس درس، و د) نبود تعداد كافي دانشجو براي اين كه درسي را ـ به لحاظ اداري و آموزشي ـ بتوان ارائه كرد.   
  
در مورد عامل دوم (ب) چهار نكته قابل توجه است: 1) به استثناي سال هاي اولية   
راه اندازي گروه كتابداري در دانشگاه تهران و دانشگاه شيراز، مدرسان ايراني تدريس درس ها را بر عهده داشتند و دارند؛ 2) شرايط فرهنگي بعد از انقلاب اسلامي بر تدريس درس ها به فارسي تأكيد دارد؛ 3) در برابر استفاده از متون درسي به زبان غيرفارسي كاملاً مقاومت مي‌شود ؛ 4) تهية كتاب هاي غيرفارسي با مسائل مربوط به ارز خارجي ـ كه در ايران بعد از انقلاب، بسيار دستخوش تغيير و تحول بوده ـ گره خورده است. با اين شرايط از ارائة درس هايي استقبال مي شده است كه براي آن، متن يا متن هايي به زبان فارسي وجود داشته باشد و بتواند يك نيمسال را پوشش دهد. متأسفانه فقط براي تعداد كمي از درس‌هاي موجود در برنامه هاي كارشناسي‌ارشد قبل و بعد از انقلاب چنين متوني وجود داشته است.   
  
خلاصه اين كه تغييرات شديد در برنامة گروه‌هاي كتابداري خارج از ايران، رواج روزافزون به كارگيري فناوري اطلاعات در كتابخانه هاي ايران، و غيرفعال بودن بخش قابل توجهي از برنامة كنوني كتابداري و اطلاع‌رساني، توجيهات قابل قبول براي تدوين   
برنامه اي جديد به شمار مي آيند.   
  
  
  
هدف ها و چهارچوب هاي نظري طرح   
  
اين پژوهش بر آن بود تا محتواي برنامة دورة كارشناسي ارشد كتابداري و   
اطلاع‌رساني را با توجه به نيازهاي روز و تحولات جاري در زمينه هاي محيط اطلاعاتي و   
فناوري هاي جديد مورد بازنگري قرار دهد. در اين راستا، پژوهشگران بر آن بودند تا اولويت هاي اساسي دورة كارشناسي ارشد را از نظر گرايش هاي مورد نياز، محتواي هر گرايش و نيز سرفصل هاي مناسب آن‌ها شناسايي كنند . در تدوين هدف هاي طرح، موارد زير به منزلة چهارچوب نظري مورد توجه قرار گرفتند:   
  
1. تغييرات و تحولات محيط اطلاعاتي كه بيشتر به پيروي از توسعة فناوري رايانه و شبكه ها صورت گرفته و مي گيرد؛   
  
2. ورود فناوري هاي اطلاعاتي به كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني، كه دانش   
تخصصي‌تر در حوزة برنامه‌ريزي براي خدمات و طراحي نظام هاي اطلاع‌رساني را طلب مي‌‌كند؛   
  
3. اين‌كه كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني، طالب دانش‌آموختگان غني از دانش و خلاق در بهره گيري از شرايط و بهره رساني به جامعة اطلاعات محور هستند؛   
  
4. بزرگ تر و گسترده تر شدن مراكز اطلاع‌رساني، كه استفاده از متخصصان ماهر در زمينة مديريت اطلاعات و فناوري هاي اطلاعاتي را اجتناب ناپذير ساخته است؛   
  
5. ضرورت توجه خاص به ايجاد خلاقيت در دانش آموختگان كارشناسي‌ارشد.   
  
در بحث هاي گروهي ميان مجريان طرح، توافق شد كه در برنامة جديدي كه تنظيم مي‌شود تقويت بنيان هاي نظري مرتبط با كتابداري و اطلاع‌رساني و مهارت هاي كاربردي بويژه در زمينة كاربرد فناوري هاي روز، در پيوند با هم مورد توجه و تأكيد قرار گيرد. بر اين اساس، پذيرفته شد كه توانايي هاي مطلوب دانش‌آموختگان دورة كارشناسي‌ارشد شامل موارد زير باشد:   
  
1. توانايي درك و تحليل نظريه ها، مفاهيم، موقعيت ها و پديده هاي مطرح در حوزة كتابداري و اطلاع‌رساني و نيز حوزه هاي مرتبط با آن.   
  
از كارشناس ارشد انتظار مي رود به منظور شناخت بهتر و عميق تر مسائل حرفة خود, و تصميم گيري بهينه بتواند موقعيت هاي پيش آمده و مسائل اساسي را از دو بُعد نظري و كاربردي تحليل كند. زمينه هاي مطرح در اين مورد عبارت اند از:   
  
ـ درك ماهيت اطلاعات و فناوري اطلاعاتي و نقش آن در پشتيباني فعاليت‌‌‌هاي سازماني و نيز در فعاليت‌‌‌هاي اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي،   
  
ـ درك تحولات و تغييرات اجتماعي و فناورانه و همخوان سازي نظام اطلاع‌رساني براي پاسخ به اين تحولات،   
  
ـ درك و تحليل نيازهاي اطلاعاتي افراد و سازمان‌ها (نياز هاي علمي، آموزشي، تجاري، دولتي و مانند آن ها).   
  
2. توانايي مديريت و برنامه ريزي براي ايجاد يا توسعة خدمات اطلاع‌رساني.   
  
بدون ترديد يكي از تفاوت هاي اساسي كه لازم است در تربيت كتابداران و   
اطلاع رسانان كارشناس ارشد (متخصصان) مورد توجه باشد، توانايي آن‌ها در برنامه ريزي و مديريت در حوزة كاري خود است. اين مقوله زمينه هاي زير را شامل مي‌شود :   
  
ـ توانايي برنامه ريزي و طراحي نظام اطلاعاتي (گزينش، فراهم آوري، سازماندهي، و اشاعه يا تحويل اطلاعات)،   
  
ـ توانايي ارزيابي نظام ها و خدمات اطلاع‌رساني،   
  
ـ توانايي استفادة بهينه از فناوري اطلاعات براي ايجاد و توسعة خدمات اطلاع‌رساني كاربرمدار،   
  
ـ توانايي توسعة راهبردها و سياست هاي سازمان‌ها از طريق مديريت صحيح و مناسب اطلاعاتي.   
  
3. توانايي در شناخت تحليلي نظام ها و پايگاه هاي اطلاعاتي و استفادة موثر از   
آن ها.   
  
اگرچه ممكن است يك كارشناس كتابداري نيز بخوبي از پايگاه هاي اطلاعاتي استفاده كند، اما يك كارشناس ارشد، نه تنها بايد اين قابليت را در سطح مطلوب داشته باشد، بلكه شناخت تحليلي انواع نظام ها و پايگاه هاي اطلاعاتي از جمله توانايي هاي مورد انتظار از او مي باشند، و بايد داراي قابليت هاي زير باشد:   
  
ـ شناخت و تحليل انواع نظام ها، شبكه ها و پايگاه هاي اطلاعاتي (عمومي و تخصصي) به لحاظ ساختار، محتوا، محيط رابط، قابليت هاي جستجو، و امكانات مديريت داده‌ها؛   
  
ـ طراحي يا كمك به طراحي وب‌سايت براي كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني با توجه به ساختار ، قابليت ها و محتواي مورد نياز كاربران و كتابداران؛   
  
ـ كمك به طراحان نظام ها و پايگاه هاي اطلاعاتي با توجه به دانشي كه كتابداران در زمينه هايي چون سازماندهي، زبان هاي نمايه سازي، مشخص‌كردن انواع فيلدها (به لحاظ قابليت نمايه شدن، تكرار شدن)، انواع گزارش هاي مورد انتظار از يك پايگاه، و طراحي محيط رابط كاربرمدار دارند.   
  
4. توانايي در انجام پژوهش‌هاي تخصصي.   
  
اين قابليت نيز يكي از وجوه تفاوت كارشناسان ارشد نسبت به كارشناسان است. اين انتظار از دانش‌آموختگان كارشناس ارشد از آن رو است كه محيط كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني و نيز همة فرايند مديريت اطلاعات، به طور پيوسته تحت تأثير عوامل مختلف ناشي از تحولات جاري است. بدين لحاظ، كتابدار كارشناس ارشد بايد اين   
قابليت ها را داشته باشد:   
  
ـ انجام پژوهش‌هاي لازم در ارتباط با مسائل تخصصي؛   
  
ـ استفاده از متون، نظريه ها و يافتهجهاي حوزه هاي ديگر دانش در پژوهش‌هاي   
حرفة خود.   
  
5. توانايي برنامه ريزي براي آموزش كاركنان و كاربران كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني.   
  
گسترش فناوري هاي نوين و توسعة انواع نظام ها، شبكه ها و پايگاه هاي اطلاعاتي، اهميت آموزش مداوم و روزآمد كاركنان و كاربران را دو چندان كرده است. به همين دليل، كتابداران خود را متولي اصلي آموزش مهارت هاي اطلاع‌يابي يا به اصطلاح «سواد اطلاعاتي» مي‌دانند. از اين‌رو، كسب مهارت هاي زير بايد در برنامه هاي دورة كارشناسي ارشد گنجانيده شود:   
  
ـ توانايي شناسايي نيازهاي آموزشي كاركنان؛   
  
ـ توانايي شناسايي نيازهاي آموزشي كاربران حضوري و كاربران راه دور در زمينة سواد اطلاعاتي؛   
  
ـ توانايي برنامه ريزي و اجراي دوره ها و كارگاه هاي آموزشي مهارت هاي   
اطلاع‌يابي براي كاركنان و نيز كاربران؛   
  
ـ استفاده از انواع فناوري ها براي ارائة برنامه هاي آموزشي؛   
  
ـ ارزيابي برنامه هاي ارائه‌شده و تدوين گزارش هايي در اين زمينه.   
  
دستيابي به دانش و مهارت هاي بالا مستلزم وجود درس ها و منابع درسي متناسبي است كه با هدايت مدرسان غني از دانش ديروز و امروز در دورة كارشناسي ارشد ارائه شود. براي تدوين چنين برنامه اي، لازم بود مراحلي را در قالب طرح پژوهشي به اجرا درآورد.   
  
  
  
روش و اجراي مراحل پژوهش   
  
با توجه به هدف طرح و تأكيد بر نظرسنجي از صاحب نظران و مدرساني كه سابقة تدريس در دورة كارشناسي‌ارشد داشته باشند، تصميم گرفته شد كه طرح در چند مرحله   
  
  
  
انجام گيردكه عبارتست از:   
  
1. ابتدا هر يك از مجريان طرح(پنج نفر) وضعيت كنوني و وضعيت برنامة آموزشي كارشناسي ارشد يكي از كشورهاي مطرح را مورد مطالعه قرار داد و استنتاج خود را به صورت يك گزارش ارائه كرد. گروه با تأكيد مجدد بر قابليت هاي مورد انتظار از دانش‌آموختن، برنامة اوليه را شكل داد.   
  
2. برنامة اوليه در اختيار تك تك مجريان قرار گرفت تا با بازنگري در آن، نظرات خود را دربارة ساختار و محتواي برنامة پيشنهادي ارائه كنند. نظرات گردآوري‌شده در چند جلسة مشترك مورد بررسي قرار گرفت و برنامة جديدي با توجه به چهارچوب ساختاري مشابه با برنامة كميتة برنامه ريزي شوراي عالي انقلاب فرهنگي و مبتني بر توافق مجريان، در سه گرايش «مديريت اطلاعات»، « فناوري اطلاعات» و «كتابخانه هاي دانشگاهي» تدوين شد.   
  
3. درس هاي مطرح در اين سه گرايش، متناسب با دانش، تجربه و علاقة هر يك از مجريان، ميان آن‌ها تقسيم شد تا نسبت به تدوين سرفصل و منابع درسي اقدام كنند. به اين ترتيب، سرفصل و منابع درسي مناسب براي حدود 50 درس تدوين شد.   
  
4. در مرحلة بعد، برنامة پيشنهادي همراه با سرفصل درس هاي مورد نياز براي شش نفر از صاحب‌نظران و مدرسان كتابداري در تهران، اصفهان، شيراز و اهواز ارسال شد و از آنان خواسته شد تا ديدگاه هاي خود را دربارة ساختار، محتوا و سرفصل ها ارائه نمايند.   
  
5. نظرات دريافت‌شده در كميتة مجريان مورد نقد قرار گرفت و تغييرات مطلوب در برنامه اعمال شد. مثلاً با اين استدلال كه محتواي گرايش «كتابخانه هاي دانشگاهي» را مي‌توان در دو گرايش «مديريت اطلاعات» و «فناوري اطلاعات» ادغام كرد، تعداد   
گرايش ها به دو مورد تقليل يافت. همچنين، برخي درس ها كه امكان داشت محتواي آن‌ها را در درس هاي ديگر پوشش داد، حذف شد. افزون بر آن، تغييراتي در سرفصل برخي درس ها نيز داده شد. به اين ترتيب، برنامة جديدتري كه مبتني بر توافق نسبي صاحب نظران و مجريان طرح بود تدوين گرديد.   
  
6. برنامة جديد، پس از تأييد نهايي از سوي مجريان به كمسيون برنامه ريزي دانشگاه فردوسي داده شد تا به منظور ارزيابي براي دو نفر از صاحب نظراني كه مورد تأييد كميسيون بودند ارسال شود. يك نفر ارزياب از حرفة كتابداري (با مرتبة استادي) و يك نفر ارزياب از رشتة علوم كامپيوتر با مرتبة دانشيار، دربارة برنامة پيشنهادي اظهار نظر كردند.   
  
7. آخرين مرحلة طرح بازنگري، بر اساس اظهار نظر ارزيابان مورد توجه مجدد قرار گرفت و اصلاحات لازم در آن صورت پذيرفت. مثلاً براي جلوگيري از ابهام و احتمال همپوشاني گرايش «فناوري اطلاعات» با همين گرايش در رشتة كامپيوتر، مجريان طرح با پيشنهاد يكي از ارزيابان مبني بر تغيير عنوان اين گرايش به «مديريت فناوري اطلاعات» موافقت كردند. دو عنوان درس از مجموعة درس ها حذف شد و يك مورد درس نيز از مجموعه درس هاي اختياري براي هر دو گرايش، به مجموعه درس هاي تخصصي اجباري انتقال يافت. در نهايت، طرح بازنگري در برنامة آموزشي مقطع كارشناسي ارشد مجدداً با اصلاحات نهايي و تأييد مجريان آن، به دانشگاه فردوسي ارائه شد تا براي تصويب به وزرات علوم، تحقيقات و فناوري ارسال گردد.   
  
  
  
برنامة پيشنهادي در قالب دو گرايش   
  
دو گرايش پيشنهادي براي كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني و هدف كلي هر يك از آن‌ها عبارت اند از:   
  
1. گرايش مديريت اطلاعات. هدف گرايش «مديريت اطلاعات» تربيت كتابداراني است كه با توجه به تحولات محيط اطلاعات و نيز تحول در نيازهاي اطلاعاتي جامعه، قادر به مديريت كلية فرايندهاي مرتبط با نيازسنجي، گزينش و فراهم آوري، سازماندهي، اشاعه و ارائة خدمات اطلاعاتي در انواع كتابخانه ها بويژه كتابخانه هاي دانشگاهي، تخصصي، مراكز و نظام هاي اطلاعاتي باشند. بر اين اساس، محتواي خاصي براي آموزش دانشجويان ارشد مورد نياز است كه در مجموعه درس هاي منعكس‌شده در جدول هاي 6،4،3،2 و 7 ارائه شده است. برنامه ريزي و پياده سازي برنامه ها براي انواع كتابخانه ها ها و مراكز   
اطلاع‌رساني و نيز انجام پژوهش در مسائل عمدة مرتبط با مديريت اطلاعات، از وظايف مورد انتظار دانش‌آموختگان اين گرايش مي باشد.   
  
2. گرايش مديريت فناوري اطلاعات. هدف گرايش «مديريت فناوري اطلاعات» تربيت افرادي است كه بتوانند از انواع امكانات فناوري هاي نوين (ابزارها، نوآوري ها، نرم‌افزارها، نظام ها و شبكه هاي نوين) براي استفادة بهتر و مؤثرتر در جهت پاسخ به نيازهاي كتابخانه ها، مراكز اطلاعاتي و كاربران آن‌ها بهره گيري كنند. مجموعه درس هاي مورد نياز دانشجويان اين گرايش در جدول هاي 5،3،2،6 و7 ارائه شده است. انجام فعاليت‌‌‌هاي تخصصي، فني و خدماتي در ارتباط با فناوري هاي مورد استفاده در بخش هاي مختلف كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني از وظايف مورد انتظار دانش آموختگان اين گرايش است.   
  
  
  
طول دوره، شكل نظام و محتواي برنامه   
  
در هماهنگي با چارچوب برنامه هاي مصوب شوراي عالي انقلاب فرهنگي، حداقل طول دوره عبارت است از 4 نيمسال تحصيلي برابر با مقررات كنوني وزرات علوم. حداكثر طول دوره نيز تابع آيين‌نامه‌ها و مقررات جاري است. مجموع واحدهاي درسي كه هر دانشجو براي فراغت از تحصيل بايد بگذارند 32 واحد است كه بر اساس برنامة جاري شوراي عالي انقلاب فرهنگي به تفكيك درس هاي پايه، اختصاصي اجباري، اختصاصي اختياري، تكميلي و جبراني، در جدول هايي ارائه مي شوند.

**جدول1. تعداد و نوع واحدهاي دورة كارشناسي ارشد**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **رديف** | **نوع درس** | **مجموع واحدهاي لازم** |
| 1 | درس هاي پايه | 4 |
| 2 | درس هاي اختصاصي اجباري | 12 |
| 3 | درس هاي اختصاصي اختياري | 8 |
| 4 | درس هاي تكميلي | 8 |
| 5 | مجموع واحدهاي دوره (بدون احتساب درس هاي جبراني براي كارشناسان غير كتابداري) | 32 |
|  | درس هاي جبراني براي كارشناسان ورودي غير كتابداري | (5) |

**جدول2. درسهاي اختصاصي پايه براي هر دو گرايش (4 واحد)\***

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 301 | مباني علم اطلاع‌رساني | 2 | 34 |  |  |
| 303 | روش تحقيق | 2 | 34 |  |  |

\*گذراندن اين درس ها در ترم اول الزامي است.

**جدول3. درسهاي اختصاصي اجباري براي هر دو گرايش (12 واحد)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 334 | ذخيره و بازيابي اطلاعات | 2 | 34 |  |  |
| 340 | مديريت مجموعه (منابع چاپي و الكترونيكي) | 2 | 17 |  | 301 |
| 313 | فهرستنويسي و ردهبندي پيشرفته | 2 | 17 | 17 | 304-301 |
| 335 | چكيده نويسي و نمايه‌سازي (بازنمايي اطلاعات) | 2 | 17 | 17 | 304-301 |
| 341 | جستجو در منابع اطلاعاتي | 2 | 17 | 17 | 334 |
| 342 | اينترنت و شبكههاي اطلاعاتي | 2 | 17 |  |  |

**جدول 4. درس هاي اختصاصي اختياري براي گرايش مديريت اطلاعات**

**(از اين تعداد جمعاً 8 واحد انتخاب مي‌شود )**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 316 | آمار در كتابداري و اطلاع‌رساني\* |  | 34 |  |  |
| 322 | اصول و روش هاي مطالعه مستقل | 2 | 17 | 17 |  |
| 339 | مديريت كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني | 2 | 34 |  |  |
| 343 | مديريت رفتار سازماني | 2 | 34 |  |  |
| 344 | مديريت اطلاعات و دانش |  | 34 |  | 301 |
| 345 | ارزشيابي خدمات و نظام هاي اطلاعاتي | 2 | 34 |  | 339 |
| 346 | اصول طراحي و مديريت وب سايت كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني\* | 2 | 34 | 17 | 334؛342 |
| 347 | مباني و روش هاي آموزش سواد اطلاعاتي | 2 | 34 |  | 301 |
| 348 | جهاني‌شدن و جامعة اطلاعاتي | 2 | 34 |  | 301 |
| 349 | ارتباط شناسي و اطلاع شناسي | 2 | 34 |  | 301 |

 \* گذراندن اين درسها توصيه مي‌شود.

**جدول 5. درسهاي اختصاصي اختياري براي گرايش مديريت فناوري اطلاعات**

**(از اين تعداد جمعاً 8 واحد انتخاب مي‌شود )**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 316 | آمار در كتابداري و اطلاع‌رساني\* | 2 | 34 |  |  |
| 322 | اصول و روش هاي مطالعة مستقل | 2 | 17 | 17 |  |
| 336 | داده پردازي | 2 | 34 |  |  |
| 346 | اصول طراحي و مديريت وب سايت كتابخانه ها و مراكز اطلاع‌رساني\* | 2 | 34 |  | 334؛342 |
| 350 | طراحي و مديريت نظام ها و پايگاه هاي اطلاعاتي | 2 | 34 | 17 | 334 |
| 351 | كتابخانه هاي ديجيتالي | 2 | 34 |  | 342 |

**جدول6. فهرست درسهاي تكميلي براي هر دو گرايش (8 واحد)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 316 | سمينار پژوهش | 2 | 34 |  |  |
| 322 | كارورزي | 2 |  | 136 |  |
| 336 | پايان‌نامه | 4 |  |  |  |

**جدول 7. درسهاي جبراني براي هر دو گرايش (5 واحد)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **كد درس** | **نام درس** | **واحد** | **ساعت نظري** | **ساعت عملي** | **پيشنياز** |
| 316 | سازماندهي مواد\* | 3 | 34 | 34 |  |
| 322 | مرجعشناسي \* | 2 | 20 | 14 |  |

\*فقط براي كارشناسان غيركتابداري.

همان‌گونه كه از مفاد جدول هاي 2 تا 7 مي‌توان دريافت، محتواي برنامة آموزشي پيشنهادي و تركيب درس هاي مشترك در دو گرايش به شكلي تنظيم شده‌اند كه دانش و مهارت مورد انتظار را در دانشجويان به وجود آورند. به بيان ديگر در طراحي برنامه و درس هاي پيشنهادي، هم به تقويت بنيان هاي نظري مرتبط با كتابداري و اطلاع‌رساني و هم ايجاد مهارت هاي كاربردي بويژه در زمينة كاربرد فناوري هاي لازم، توجه شده است.   
  
  
  
  
  
نتيجه‌گيري   
  
نظام آموزش عالي ويژگي هايي دارد كه آن را نسبت به نظام آموزشي ابتدايي و متوسطه متمايز مي سازد. يكي از اين ويژگي ها پويايي اين نظام درهمخواني با تحولات، تغييرات، و نيازهاي اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فناوري است. ميزان پويايي هر رشتة دانشگاهي ممكن است با ديگر رشته ها متفاوت باشد. برخي از رشته‌هاي دانشگاهي به دليل واكنش بموقع در برابر تحولات عصر خود يا حتي تحولاتي كه پيش بيني مي‌شود در آينده روي دهد، خود را با نيازهاي جاري يا آتي هماهنگ مي‌كنند و بدين ترتيب قادرند به عنوان يك رشتة مورد نياز جامعه، به بقاي خود به شكلي زنده ادامه دهند. برخي رشته ها كه كمتر به اين امر توجه دارند يا در برابر تحولات، مقاومت مي كنند يا منفعلانه واكنش نشان مي دهند، بخت كمتري براي بقا مي يابند.   
  
تحولات ناشي از فناوري هاي نوين از يك سو و نيازهاي فزايندة متنوع جامعه اطلاعاتي از سوي ديگر، صاحب نظران حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني كشور را بر آن داشته است تا ديدگاه هاي خود را دربارة محتوا، شيوه ها، و نظام آموزشي كه دانش و مهارت مورد نياز كتابداران را به آن‌ها انتقال مي دهد مطرح كنند. اين موارد به طور قابل ملاحظه در بحث هاي مرتبط با ضرورت بازنگري در برنامه هاي درسي در نشريه ها،   
كتاب ها و همايش ها مطرح شده است.   
  
توجه به تدوين برنامه هاي آموزشي جديد و متناسب با نيازهاي روز، از نقاط مثبت نظام آموزشي تلقي مي‌شود. با اين رويكرد، گروه‌هاي آموزشي كتابداري در دانشكده ها خواهند توانست مجموعه آموزش هايي را كه دانشجويان در مقاطع مختلف نياز دارند بر اساس برنامة جديد ارائه دهند. مقطع كارشناسي‌ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني نيز با توجه به ضرورت دست اندركار شدن دانش‌آموختگان ارشد در پست هاي مديريتي و اجرايي كتابخانه ها و لزوم انجام مؤثر و خلاقانة مديريت اطلاعات و نيز استفاده بهينه از فناوري اطلاعات، از جايگاه والايي در نظام آموزش كتابداري در ايران برخوردار است. به همين دليل، برنامة جديدي كه مناسب آموزش اين سطح از كتابداران باشد تدوين و پيشنهاد شده است. همان‌گونه كه عناوين و سرفصل درس هاي پيشنهادي نشان مي دهند، موقعيت اين برنامه به دو عامل اساسي متكي است: استفاده از منابع درسي مناسب، و خود‌ـ روزآمدسازي مدرسان كتابداري با دانش‌هاي نظري و مهارت هاي علمي مندرج در برنامه. مورد اخير بر اين نكته تأكيد دارد كه براي در اختيار داشتن دانش‌آموختگاني با قابليت هاي موردنظر، در واقع نياز به مدرساني با قابليت هاي برتر مي باشد. بر اين باوريم كه موفقيت در اجراي اين برنامة آموزشي نيازمند تغيير اساسي در دانسته ها و رفتارهاي آموزشي اعضاي هيئت علمي گروه‌هاي كتابداري است. بر اين اساس تدوين اين برنامه سه گونه تغيير اساسي را مد نظر دارد: تغيير در محتواي آموزشي، تغيير در منابع آموزشي، و تغيير در كميت و كيفيت دانش و مهارت هاي مدرسان كتابداري.   
  
  
  
منابع   
  
ابرامي، هوشنگ (1354). «نقطه آغاز: گره كور آموزش دانش شناسي»، نامه انجمن كتابداران ايران، دوره هشتم، 4 (زمستان): 554 ـ 543.   
  
حياتي، زهير(1382). «توسعه آموزش كتابداري در استراليا يا عوامل متغير». فصلنامه كتاب. دوره چهاردهم، شماره دوم، ص 98 ـ 88 .   
  
حياتي، زهير (1383). «آموزش هاي كتابداري و اطلاع‌رساني در ايران: گذشته، حال ، آينده». فصلنامه كتاب. دوره پانزدهم، شماره اول، بهار 1383، ص 41 ـ 25.   
  
دياني، محمد حسين (1379). «برنامه آموزش دوره كارشناسي كتابداري و   
اطلاع‌رساني، پيشنهادهايي براي تحول». فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني. سال سوم، شمار 1 (بهار): 20 ـ 1 .   
  
فتاحي، رحمت‌‌الله (1379). «الگويي براي بازنگري و تجديد ساختار آموزش هاي كتابداري و اطلاع‌رساني» كتابداري و اطلاع‌رساني. سال سوم، شماره 1 (بهار): 44 ـ 21 .   
  
كياني خوزستاني، حسن (1382). «آموزش كتابداري در ايران». دائره المعارف كتابداري و اطلاع‌رساني، ج. 1، ص 67 ـ64.   
  
گنجيان، محمدحسين (1353). «مشكلات آموزش كتابداري در ايران». نامه انجمن كتابداران ايران، دوره هفتم، شماره 4 (زمستان): 526 ـ 514 .   
  
مرتضائي، ليلا (1380). تحصيلات تكميلي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني در انگلستان، آمريكا، هند و ايران: بررسي تطبيقي. تهران: مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران.   
  
مرتضائي، ليلا (1383). طراحي برنامة كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني (گرايش اطلاع‌رساني). تهران: مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران .   
  
مهراد، جعفر (1381). برنامة درسي مديريت اطلاعاتي و سيستم‌هاي اطلاعاتي و ارتباطاتي. شيراز: دانشگاه شيراز، بخش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني .   
  
  
  
Ferguson, Stuart (1997). "Preparing LIS graduates for the emerging market: An Asutralian education down under in the UK". Education for Information, V.15 (3). available online in Ebsco database.   
  
Oster, L.J., Dahlin T.C. and Willardson, J.d. (1995). The closing of American library science: problems and opportunities. Westport, Conn.: Greenwood Press.   
  
Radford, Nail A. (1978) "Eduation for librarianship: The changing role". The Australian Library Journal, (May): P. 102 – 106.   
  
Wilson, Tom (1989). "Towards an information management curriculum", Journal of Information Science, 15: 203 – 210.